

الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین الملل

۹۹

دو فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین الملل
محمد رحیم عیوضی و همکار

محمد رحیم عیوضی^{۱*}

مونا پارسا^۲

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، تهران، تهران، ایران.

چکیده

قدرت یکی از مفاهیم اساسی در حوزه سیاست بین الملل است. تصمیم گیرندگان و سیاستمداران در این حوزه به دنبال توانایی تحصیل هدف‌های سیاست خارجی خود هستند؛ در واقع این همان مفهوم قدرت در سیاست بین الملل است. کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با دوران قبل از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند، و با تحولاتی که بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه دهه هفتاد به بعد در ساحت اندیشه و عمل به وجود آمد به نوعی، متغیرهای جدید را جهت تولید، اعمال قدرت و کسب نفوذ وارد حوزه سیاست بین الملل نموده، و این عرصه را به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار داد. از این رو، کسب وجهه و اعتبار بین المللی و نفوذ در افکار عمومی و به عبارتی، دسترسی به قدرت نرم، از جمله اهداف مهم و در عین حال، تصریح نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین الملل است؛ دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مکانیسم‌های به کارگیری قدرت نرم در این زمینه نقش زیادی دارد. در این مقاله با بیان تحول مفهوم قدرت، تعریف قدرت نرم و مؤلفه های مؤثر آن بر سیاست بین الملل، به این پرسش که در بین مؤلفه های تأثیرگذار قدرت نرم بر سیاست بین الملل، چه عواملی مؤثرتر هستند، پرداخته ایم. با استفاده از روش «توصیفی تحلیلی» دیپلماسی فرهنگی و رسانه را به عنوان مهم ترین عوامل تأثیرگذار قدرت نرم در سیاست بین الملل می‌دانیم.

کلید واژه ها: قدرت، قدرت نرم، فرهنگ، سیاست بین الملل، دیپلماسی فرهنگی.

از مقوله‌های بنیادین در علوم سیاسی و اندیشه سیاسی مفهوم "قدرت" است. از زمان افلاطون به بعد قدرت همیشه در کانون توجه اندیشمندان سیاسی قرار داشته است به ویژه در عصر حاضر، به یکی از مفاهیم عمده تبدیل شده و نقش محوری یافته است. قدرت از منظر نئولیبرال‌ها، که واضعان اصلی آن هستند، نقشی مهم و تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل بازی می‌کند. جوزف نای معتقد است آنچه وی با عنوان قدرت نرم درباره آن سخن گفته، در حقیقت راه غیرمستقیم دستیابی به خواسته‌هاست، راهی که در آن از تهدید و سیاست چماق و هویج خبری نیست. در قدرت نرم، دیگران بیش از آنکه به کاری مجبور شوند، به همکاری گرفته می‌شوند و این از آن رو است که دیگران ترغیب می‌شوند که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم... لذا قدرت نرم قابلیت شکل دادن به علایق دیگران است (نای، ۱۳۸۷: ۴۳). قدرت نرم در معادلات بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار است، تا آنجا که گفته می‌شود در حال حاضر، برجسته‌ترین مظهر و نمود قدرت ملی، قدرت فرهنگی به معنای عام و قدرت روانی تبلیغی، به معنای خاص است که بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند این بُعد قدرت را افزایش و گسترش داده، و با اعمال آن و ایجاد تأثیرات خاصی بر دیگر بازیگران، آن‌ها را از میدان رقابت خارج سازند. ویژگی این بُعد از قدرت، با مفهوم اقتناع و رضایتمندی همراه است. امروزه، عرصه سیاست بین‌الملل، به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. از این رو، تبادلات و مناسبات فرهنگی و همچنین کوشش برای نگهبانی از هویت، جایگاه ویژه‌ای در سطح مباحث تئوریک و نظریه‌پردازی و همچنین در ساحت عمل به خود اختصاص داده است؛ تا جایی که پاسداری از هویت، نه در دستور کار سیاست خارجی و مطالعات راهبردی، بلکه بیش از همه، ناشی از موجی است که پهنه عمل آن، فراملی و جهانی است. از این منظر می‌توان گفت: اهتمام به نقش ایده‌ها و هویت، و به طور کلی فرهنگ در عرصه روابط بین‌الملل را می‌توان در آثار مکتب سازه‌نگاری مشاهده کرد (هینه بوش، ۱۳۸۴: ۶۳۸).

این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی سعی می‌کند با توجه به مفهوم قدرت و با اشاره به قدرت نوظهور در عرصه سیاست بین‌الملل که همان قدرت نرم است، به تعیین مؤلفه‌های تأثیرگذار این قدرت در سیاست بین‌الملل پرداخته و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که: چه مؤلفه‌هایی در قدرت نرم بر سیاست بین‌الملل تأثیرگذارند؟ و در پاسخ به این سؤال ضمن اشاره به مؤلفه‌های تأثیرگذار قدرت نرم در سیاست بین‌الملل، فرهنگ

را عامل اصلی دانسته و از دیپلماسی فرهنگی به عنوان سیاست راهبردی در این زمینه یاد کرده‌ایم. با توجه به این موضوع که کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است، که به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و مکانیسم‌های مختلف، تعقیب می‌گردد؛ این نظریه بیان شده که اگر رضایت و توافق در مورد اهمیت ارزش‌ها و باورها در کشوری موجود باشد، آن فرهنگ، ملی، قوی و اگر توافق وجود نداشته باشد، ضعیف خواهد بود. این وظیفه مهم را کشورها از طریق دیپلماسی فرهنگی فعال انجام می‌دهند. بنابراین دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی دو ابزار اعمال قدرت نرم در سیاست بین‌الملل تلقی می‌شوند.

۱. تحول مفهومی و کارکردی قدرت در سیاست بین‌الملل

از جمله ویژگی‌های بارز سیاست بین‌الملل، تأثیرپذیری آن از مؤلفه‌های قدرت است که علی‌رغم تمامی تغییرات رخ داده، این ویژگی همچنان استمرار دارد. از این منظر می‌توان دو روایت مختلف از سیاست بین‌الملل ارائه نمود:

۱-۱. قدرت سخت؛ رویکردی سنتی به سیاست بین‌الملل

قدرت و مشتقات آن، محور و جان‌مایه علوم سیاسی در گرایش‌ها و حوزه‌های مختلف تخصصی آن است. پدید آوردن آثار مطلوب (راسل، ۱۳۶۱: ۵۵)، سلطه انسان بر انسان (آرون، ۱۳۶۴: ۵۹۸)، توانایی فرد یا گروه در کسب تسلیم و اطاعت دیگران (گالبرایت، ۱۳۶۶: ۲۵۶)، کنترل رفتار دیگران (دال، ۱۳۶۴: ۹۶)، از جمله معادل‌های مفهومی واژه قدرت است. از این مفاهیم چنین می‌توان نتیجه گرفت که قدرت، بیانگر رابطه طرفینی بین انسان‌هاست که یک طرف تأثیرگذار و طرف دیگر تأثیرپذیر است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۳). قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت سیاسی و قدرت ملی، اصطلاحات و ترکیبات متداول مفهوم قدرت می‌باشند. مفاهیم یاد شده که هم وسیله و هم هدف نهایی سیاست تلقی شده است، مورد توجه علمای سیاسی سنت‌گرا می‌باشند (کاظمی، ۱۳۶۹: ۷). اکنون قدرت سیاسی، نوعی قدرت اجتماعی است که در جوامع مدنی بین گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۵۷).

در اندیشه سیاسی کلاسیک، از نظریه قدرت در اشکال مختلفی تعبیر و یاد شده است (نک. ورنر، ۱۳۶۰: ۲۲). در دوران میانه دوگانگی‌ای میان قدرت زمینی و قدرت آسمانی وجود داشت. البته این دوگانگی هرگز پایدار نماند و تحت تأثیر جنگ‌های صلیبی و

زیاده خواهی کشیشانی چون اینوسنت سوم، بونیفاس و دیگران از آغاز سده سیزدهم، به تدریج قدرت معنای زمینی خود را از دست داد و صرفاً "آسمانی" شد که از طریق کلیسا به شاه اعطا می شد و همه امور تحت امر کلیسا درآمد (نوذری، ۱۳۷۳: ۳۰). از منظر بسیاری از اندیشمندان سیاسی، نگرش مدرن در باب قدرت با هابز آغاز می شود. میان اندیشمندان پست مدرن، میشل فوکو، بیشترین توجه فلسفی خود را بر مفهوم و ماهیت قدرت قرار داده است. وی در مباحث تبارشناسانه خود، سه چهره قدرت، «قدرت گفتمانی»، «قدرت دیسپلینی» و «قدرت مشرف بر حیات»، را مورد مطالعه قرارداد. از نظر فوکو، قدرت گفتمانی یا «قدرت حاکم» قدرتی است که به جای آن که بر بدن ها اعمال شود، بر روی زمین، بر دارایی های جامعه اعمال شده و مستقل از کنش و واکنش با پیکر جامعه که ملت را می سازد و هویت خود را با آن یکی می داند، تداوم می یابد. در مجموع، در دوران مدرن، به ماهیت قدرت و چیستی آن که با دولت مرتبط بوده، و نحوه تنظیم رابطه میان دولت یا جامعه مدنی یا چگونگی توزیع قدرت پرداخته می شود. در این دوران که با دولت مطلقه آغاز و همواره میان لیبرال دموکراسی تا سوسیال دموکراسی در نوسان بوده است، قدرت محوریت عمده مباحث راتشکیل داده و قدرت نیز به نوبه خود در رابطه با دولت و یا مدیریت سیاسی مطرح شده است (بشیریه، ۱۳۷۸: ۳۱).

۱-۲. قدرت نرم؛ رویکردی نو به سیاست بین الملل

قدرت نرم توانایی به دست آوردن چیزی است که می خواهیم با جذب و اقناع سایرین جهت تحقق اهداف خود کسب کنیم. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود... تأثیرگذاری همراه با رضایت بردیگران، اراده ی دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه های نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۸، ۳۰). قدرت نرم عبارت از توانایی کسب مطلوب مقصود و هدف از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع است. قدرت نرم از جذابیت فرهنگی، ایده آل های سیاسی و سیاست های یک کشور ناشی می شود (نای، ۱۳۸۷، ۸۳). بنابراین، قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه ها و ارزش های خاص و جذاب، بنیان های ارزشی و ارکان حمایتی، کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می دهد. این گونه تغییرات، معمولاً از زیرساخت های ارزشی و شبکه های تولید و توزیع اندیشه ها و هنجارها، خصوصاً حوزه های آموزشی، فرهنگی و رسانه ای آغاز می شود. آنچه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم، برمی آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت

تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بردیگران می‌باشد. به طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است به کار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت: قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقناع است؛ در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. جوزف نای بر این عقیده است که: قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز گیرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۰).

۲. الگوی تحلیلی

با عنایت به این که هدف اصلی نوشتار حاضر طراحی یک الگوی تحلیلی است، مبتنی بر رویکردهای بیان شده، می‌توان الگوی سه رکنی زیر را بر بنیاد رویکرد نرم افزارانه قدرت ارائه داد.

۱-۲. قدرت نرم و مدیریت افکار عمومی جهانی

در خصوص منابع و ویژگی‌های قدرت نرم نظریه‌های متعددی ارائه شده که تأکید بر ذهنیت‌ها، سیاست‌های فرهنگی، استناد به مؤلفه‌های هویتی و به‌ویژه نقش بی‌بدیل فناوری از جمله آن‌ها است (نک. خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۵-۴۵). اگر چه فهرست این منابع پیوسته در حال افزایش بوده و می‌توان افزون بر موارد سستی (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۴۰-۱۳۰) به مؤلفه‌های جدیدتری هم اشاره نمود؛ اما در مجموع می‌توان گفت: مهم‌ترین ویژگی قدرت نرم، مردمی بودن آن است. به عبارت دیگر، قدرت نرم، زمانی می‌تواند تولید گفتمان سازگاری با افکار عمومی نماید که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه‌ای و فراملی نماید و با سهولت، پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند. مهم‌ترین سازکارهای برآمده از قدرت نرم برای نیل به این هدف عبارتند از:

الف. مدیریت فرهنگ و نظام ارزش‌ها

بخش عمده از عوامل تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی، معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مانند زبان و ادبیات، موقعیت ایدئولوژیکی و مذهبی، ارزش‌های متعالی و انسانی، اخلاقیات، قدرت نفوذ

باورها و نگرش‌ها و به طور کلی، منش ملی، روحیه ملی، باورها و ارزش‌های ملی است که جملگی در ذیل مقوله فرهنگ جای می‌گیرد. از سویی دستگاه سیاست خارجی کشورها هنگام تصمیم‌گیری عمدتاً براساس ترجیحات و اولویت‌های فرهنگی، عمل می‌کنند؛ در نتیجه، میزان ظرفیت موجود در انگاره‌های فرهنگی می‌تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی جهان ایجاد نموده و از آن طریق، دستگاه سیاست خارجی می‌تواند اهداف و منافع ملی خود را بدون کاربرد زور با کمترین هزینه، تعقیب نماید (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۶).

ب. تولید مطلوبیت‌های سیاسی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم یک کشور، جذابیت ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی یک کشور است. این مهم می‌تواند در ارائه تصویرسازی مثبت و مطلوب از یک کشور در سطح افکار عمومی جهان، مؤثر واقع گردد. به طور کلی، ایده‌آل‌های سیاسی یک کشور می‌تواند دیگران را نسبت به آن، جذب و یا دفع نماید. آن چه در این مؤلفه، حائز اهمیت است میزان هم‌سوئی ایده‌آل و مطلوبیت‌های سیاسی یک کشور با جامعه بین‌المللی است. هم‌چنین میزان توانایی‌های این ارزش‌های سیاسی در ساختن رژیم‌های حقوقی و قانونی بین‌المللی است که تا چه حد توانسته مطلوبیت‌های خود را جهانی و تبدیل به قوانین و مقررات بین‌الملل نماید.

ج. تأثیرگذاری بر مشروعیت نظام سیاسی

مشروعیت سیاسی، در ایجاد و تقویت قدرت نرم کشورها، بسیار مؤثر است. هر چه مشروعیت سیاسی یک کشور در اذهان و افکار عمومی جهان افزایش یابد، میزان همکاری‌های بین‌المللی، به تناسب، توسعه خواهد یافت، زیرا واحدهای سیاسی، تنها از طریق همکاری‌ها، مناسبات و مبادلات فرهنگی فی‌مابین است که منافع و اهداف یک کشور را مورد شناسایی قرار می‌دهند. میزان مشارکت‌های مردمی در انتخابات‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و راهپیمایی‌ها، نشان‌گر میزان مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی است، که به سهم خود، تأثیر زیادی در نگرش افکار عمومی جهان داشته و در نتیجه، موجب ارتباطات بیشتر در عرصه جهانی می‌گردد.

۲-۲. قدرت نرم و دیپلماسی عمومی نوین

دیپلماسی عمومی در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل این چنین تعریف شده: دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها اطلاع رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی دیگر کشورها است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر، مبادلات فرهنگی، رسانه‌های عمومی و اینترنت است (آلتون؛ ۱۳۷۵: ۳۲۶). دیپلماسی عمومی شامل برنامه‌های فرهنگی و آموزشی و تبادل شهروندان سایر کشورها و در چارچوب حمایت‌های دولتی می‌باشد و می‌تواند از طریق کانال‌های رسمی و یا خصوصی و نیز توسط مؤسسات و یا افراد صورت بگیرد. مشخصات دیپلماسی در معنای سنتی آن عبارت است از: پنهان کاری، غیردموکراتیک، روابط دوجانبه، عمل گرا و وضعیتی که توسط تعداد کمی از دولت‌های بزرگ اجرا و هدایت می‌شد. اما دیپلماسی نوین درست برعکس آن و با مشخصاتی چون آشکار بودن، دموکراتیک، چندجانبه، اصول‌گرا، و با مشارکت دول بسیاری از جمله دولت‌های کوچک انجام می‌شود. دیپلماسی نوین در شکل عمومی آن اشاره به مردم دارد و نه دولت‌ها و تاکتیک‌های دیپلماسی، بیشتر خطاب به مردم است تا دولت‌ها. امروزه باید پذیرفت که نحوه هدایت سیاست خارجی کشورهای جهان دچار تغییرات شگرفی شده‌اند و اکنون قدرت جهانی یک کشور در توان و استعداد دیپلماسی عمومی آن در ایجاد هویت ملی و ارائه تصویر مکمل بین‌المللی آن نهفته است. دیپلماسی عمومی پدیده اتاق‌های در بسته نیست، بلکه پدیده‌ای کاملاً آشکار است. دیپلماسی رسانه‌ای و سایر دیپلماسی نیز یکی از زیرشاخه‌های دیپلماسی عمومی و در حقیقت نقش رسانه‌ها بر روند تأثیرگذاری بر افکار عمومی و هدایت سیاست خارجی است. عموماً زمانی که دیپلماسی عمومی در شکل سنتی آن که ارتباط با مراجع رسمی کشور هدف است با مشکل مواجه می‌شود، کشور مبدأ تلاش می‌کند تا راه‌های دیگری را برای نیل به اهداف منافع ملی خود بیابد. در هر حال هدف غایی کشور مبدأ، دستیابی به اهداف منافع ملی خود است؛ که می‌تواند با استفاده از دیپلماسی عمومی در راستای تأثیرگذاری بر بخش‌های مختلف جامعه کشور هدف در آن کشور فضا سازی، جریان سازی و تأثیرگذاری کند و آن را در بخش‌های مختلف جامعه کشور مورد نظر خود شکل عملی و اجرایی به خود بگیرد. در این راستا ابزار دیپلماسی عمومی و ارتباط با ملت و مردم کشور هدف کاربرد تأثیرگذاری دارد. داشتن اطلاعات و به‌کارگیری آن توسط دولت‌های مختلف، یکی از راه‌های توسعه کشورها است. به هر میزان که اطلاعات

در زمینه‌های مختلف افزایش یابد، به همان میزان بر توسعه و آبادانی افزوده می‌شود و هر ملت و دولتی که عزم و سربلندی، اقتدار و پیشرفت داشته باشد باید برای دستیابی به اطلاعات و بهره‌گیری از آن در سامان دادن زندگی برنامه‌ریزی و تلاش نماید. اطلاعات یکی از مهم‌ترین ابزارهای حفظ و توسعه قدرت سیاسی اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است. رسانه‌های گروهی اعم از نوشتاری، رادیو و تلویزیون، تئاتر، ماهواره، اینترنت و خبرگزاری‌های انتقال دهنده‌ی اطلاعات و خواسته‌ها فعالیت می‌کنند. رسانه‌های گروهی در شکل دادن افکار عمومی و اعمال فشار بر مواضع کشورها در اقصی نقاط جهان نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای ایفا می‌نمایند.

۲-۳. قدرت نرم و توانمندی فرهنگی

می‌توان از دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزار اعمال قدرت نرم در سیاست بین‌الملل نام برد. با توسعه روابط بین‌الملل و افزایش تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، زمینه‌های نوینی برای رفع مسالمت‌آمیز مناقشات و منازعات میان دولت‌ها و ملت‌ها پدیدار گشت و دیپلماسی، به‌عنوان یک راه‌حل منطقی، جایگزین توسل به زور گردید. سیاست بین‌الملل، علی‌رغم توسعه و تکامل خود، هنوز نتوانسته قدیمی‌ترین مشکل روابط بین‌الملل یا جنگ و خونریزی را که دغدغه ملت‌ها و دولت‌ها در طول تاریخ بوده است، به‌طور کامل مهار کند و صلح و امنیت را به ارمغان بیاورد. از این رو، دیپلماسی شیوه مسالمت‌آمیز حل تعارضات و اختلافات بین‌المللی، همواره با اقبال مواجه بوده است. به‌طوری‌که با افزایش مناسبات و تعاملات ملت‌ها و دولت‌ها از یک سو و افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی در سطح بین‌الملل و رشد افکار عمومی، کاربرد شیوه‌های دیپلماتیک، افزایش یافته است. آشکار است که با تحول طبیعت دیپلماسی و روابط دیپلماتیک، با گذشت زمان و تجربه، تحولات و انقلاب‌ها در عرصه نظام بین‌الملل، به نحو محسوس و ملموس دگرگون شده است و به موازات آن، ابزارها و کارکردها و رفتارهای دیپلماسی نیز دستخوش تغییرات بنیادین گردیده است (کاظمی، ۱۳۷۰: ۲۳).

آن چه اهمیت موضوع را مضاعف نموده و سرعت و تأثیر این مهم را در عرصه سیاست جهانی، ارتقا بخشیده است، حضور رسانه‌ها و سیستم‌های ارتباطی جدید است. با توجه به نظریه سازه‌انگاری، نقشی که امروزه، رسانه‌ها در ساختن افکار عمومی جهان و انتشار هنجارها و ارزش‌های فرهنگی به جهانیان دارد قابل انکار نیست. از این رو، نقش نهادها و رسانه‌ها در تولید و توزیع هنجارها و ایستارها حائز اهمیت است. اساساً دولت‌ها در عرصه

سیاست بین‌الملل، برداشت‌های گوناگونی از مختصات فرهنگی و ارزشی جوامع دارند که ممکن است از نگاه دارندگان آن فرهنگ متفاوت باشد. مراد از فرهنگ بین‌المللی، ارزش‌ها و هنجارهای عامی است که در طول زمان، مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد و عملکرد خاصی دارد. تجلی این فرهنگ را می‌توان در چارچوب عملکرد رژیم‌های بین‌المللی و در قالب هنجارها، مقررات، قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی جست‌وجو کرد (قوام، ۱۳۸۴: ۱۲۳). از آن‌جا که هنجارها، ایستارها و آموزه‌های اخلاقی در سنجش و ارزیابی الگوهای رفتارهای بین‌المللی حائز اهمیت است، از این رو فقدان استانداردهای لازم اخلاقی در عرصه سیاست جهانی، منازعات و سوء تفاهات متعددی را در اشکال مختلف به وجود می‌آورد. هر چند، این مهم، برآیند و محصول خاستگاه‌های گوناگون و مبانی معرفتی و فرهنگی خاصی است که از ساختارهای فرهنگ هر کشور بر می‌خیزد، که هر کدام از آن مبانی، رفتارها و کنش‌های سیاسی خاصی را به همراه دارد؛ لذا به سادگی نمی‌توان آن‌ها را در روابط قدرت میان دولت‌ها در عرصه سیاست جهانی توجیه نمود. هر چند دیپلماسی در درون فضاها، فرهنگی و هنجاری، عمل نموده و محیط نیز جنبه ارزشی دارد، اما مورخان دیپلماسی در عمل به نفع قدرت و منافع، توضیحات فرهنگی را در درجه دوم اهمیت قرار داده‌اند. بسیاری از سیاست‌مداران آگاه، نسبت به ارزش‌های فرهنگی و نقش آن‌ها در شکل دادن به ادراک‌ها و برداشت‌ها آگاهی داشته‌اند. آن دسته از عناصر فرهنگ ملی که در مطالعه سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مورد توجه می‌باشند، معمولاً عناصری هستند که به صورت نهادها در نظام سیاسی عمل می‌کنند. فرهنگ سیاسی از سه عنصر ارزش‌ها، ایستارها و رفتارهای سیاسی در کشورها تشکیل می‌شود. ارزش‌های سیاسی عبارتند از: هنجارهای آرمانی شده از لحاظ سازمان‌دهی و عملکرد نظام سیاسی و منظور از ایستارهای سیاسی: جهت‌گیری‌های افراد به سوی فرآیند سیاسی است و هم چنین مراد از رفتار سیاسی شیوه‌ای است که طی آن افراد و گروه‌ها، ارزش‌ها و ایستارهای خویش را در وضعیت‌های بسیار غنی به کار می‌گیرند. در بسیاری از موارد، الگوهای رفتاری دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل - که از طریق سیاست خارجی و شیوه‌های تبیین منافع ملی در سیاست بین‌الملل تجلی می‌یابد - با توجه به ویژگی‌های هنجاری و فرهنگی و با در نظر گرفتن میزان برخورداری از قابلیت‌ها، صورت‌های پیچیده گوناگونی به صورت استیلا، تساهل، همکاری و آشتی ناپذیری به خود می‌گیرد. از این رو با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و هنجاری باید این انتظار را داشت که دولت‌ها در عرصه سیاست جهانی، دارای زبان دیپلماتیک گوناگون در تعاملات خویش با دیگران

باشند. به عبارت دیگر، نوعی دیپلماسی فرهنگی با ادبیات خاص را تعقیب کنند در این نوع روابط دیپلماتیک، میزان مبادلات هنجاری و فصول مشترک و غیرمشترک ارزش‌ها، مشخص‌کننده موقعیت دیپلماتیک دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل است. بنابراین ممکن است، تأکید بر آموزه‌های هنجاری، ارزشی، اسطوره‌ای به درک طبقه‌بندی سیاست خارجی دولت‌ها در مسائل جهانی به صورت پراگماتیک، ایدئولوژیک اسلامی، مسیحی، دموکراتیک، کثرت‌گرا و... کمک کند. بر این اساس، آثار و ویژگی‌های فرهنگی هر دولت بر سیاست خارجی خود و انعکاس آن در تعاملات رفتاری در سیاست بین‌الملل می‌تواند تصویر روشن‌تری از محتوای فرهنگی آن جامعه ارائه نماید؛ که این مهم از طریق روابط دیپلماتیک، به ویژه دیپلماسی فرهنگی تجلی می‌کند. منش ملی، روحیه ملی، کیفیت حکومت و جامعه و کیفیت دیپلماسی از جمله عوامل کیفی مربوط به قدرت ملی هستند که می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی، مغز تفکر قدرت ملی است؛ همان‌گونه که روحیه ملی، روح آن است. به نظر می‌رسد در صورتی که قدرت دید دیپلماسی، به ویژه دیپلماسی فرهنگی، کاهش یابد و یا قدرت داوری آن دچار اشکال شود، امتیازات ناشی از موقعیت جغرافیایی، خودکفایی، تولیدات صنعتی، آمادگی نظامی و به‌طور کلی، چهره سخت قدرت، تأثیر زیادی نخواهد داشت. حال آن‌چه موجب توسعه تولیدات فرهنگی در عرصه جهانی می‌شود، رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید ارتباطی است. رسانه‌ها یکی از ابزارهای مهم در دیپلماسی فرهنگی هستند. برای مثال، برخورداری برخی از کشورها مثل آمریکا از امکانات عظیم رسانه‌ای با توجه به کار ویژه متنوع آن‌ها در دیپلماسی فرهنگی، نقش بسیار مهمی در تأمین قدرت نرم برای این کشورها به دنبال داشته است (میلز، ۱۳۸۳: ۲۱۹). قدرت فرهنگی با میزان تأثیر و نفوذ آن تعیین می‌گردد. میزان قدرت و اقتدار فرهنگ را می‌توان بر حسب دو معیار مهم، تعیین کرد: تعداد اعضای متعهد به ارزش‌های غالب و نیز میزان تعهد به ارزش‌های غالب. اگر رضایت و توافق در مورد اهمیت ارزش‌ها و باورهای موجود داشته باشد، آن فرهنگ، قوی و اگر توافق وجود نداشته باشد، آن فرهنگ، ضعیف است. این وظیفه مهم را کشورها از طریق دیپلماسی فرهنگی فعال، به کمک رسانه‌ها انجام می‌دهند. بنابراین دیپلماسی فرهنگی از راه‌کارهای مهم اعمال قدرت نرم در سیاست بین‌الملل تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

قدرت نرم را می‌توان در قالب توانایی نیل به اهداف مورد نظر، از طریق جلب آراء و نظریات افکار عمومی تعریف کرد. در این نوع از قدرت مسئله اجبار و فشار بر مردم برای جلب نظر و یا تحمیل اراده خود بر آنها، نظیر آنچه در به‌کارگیری قدرت نظامی صورت می‌پذیرد، مطرح نیست؛ بلکه فضا و شرایط دسترسی به اطلاعات مورد نظر، به نحوی فراهم می‌شود که آنها را به پذیرش نظر و افکار اجرا کننده قانع می‌سازد. نقش علیت تأثیرگذار بر جامعه هدف، تحصیل کردگان و نخبگان در فرآیند تأثیرگذاری، بسیار حائز اهمیت است. در این شکل از قدرت که عقاید، باورها، فرهنگ و سنن، داشته‌ها و نداشته‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی و... را مورد هدف قرار می‌دهد؛ نقش بسیار زیادی برای ابزار جدید ارتباطات و رسانه (از قبیل فضای مجازی، ارتباطات الکترونیک، وبلاگ‌ها و...) تعریف گردیده و دسترسی آسان به اطلاعات مورد نظر در اسرع وقت و با حداقل هزینه به‌خوبی مدنظر قرار گرفته شده است. مسئله مهم دیگر جهت دهی، القا و هدایت اطلاعات مطلوب از سوی مجری، عامل و یا به‌کارگیرنده قدرت نرم در مورد جامعه هدف و مخاطبین است. در این فرآیند، مجری بنا به نوع و گستره اهداف خود، اطلاعاتی را به سوی مخاطب سرازیر می‌کند که با تحت تأثیر قرار دادن فضای پیرامونی وی، شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که وی به پذیرش آراء و افکار مجری (هدایت کننده اطلاعات مورد نظر) قانع گردیده و معمولاً به دنبال بررسی صحت و سقم آن نباشد، در عصر اطلاعات، قدرت از جنبش نرم بیش از جنس سخت (به معنای توانایی نظامی و اقتصادی) متقاعد کننده و جاذبه آفرین است. در چنین شرایطی بهره‌گیری از جریان‌های اطلاعاتی به منظور انتقال ارزش‌ها و فرهنگ هر واحد سیاسی و در نتیجه تأمین منافع ملی آن واحد، ضروری به نظر می‌رسد. اگر بر این امر تأکید داشته باشیم که در دوران موجود، ابزارهای رسانه‌ای نقش مؤثری در گسترش ارتباطات کشورهای مختلف ایجاد می‌کنند، طبیعی است که در چنین شرایطی امکان بهره‌گیری از نشانه‌ها و ابزارهای ارتباط بین فرهنگی در قالب تئوری دیپلماسی عمومی از اهمیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد شد. دیپلماسی عمومی، افکار عمومی را هدف قرار می‌دهد و از لحاظ پیامدها و نتایج، از همان اهمیت ارتباطات دیپلماتیک پنهان و سنتی بین سران کشورها برخوردار است. دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ها نقش مهمی در این رابطه ایفا می‌کند و می‌توان گفت که رسانه و فرهنگ، قدرت است. اگر قدرت نرم شامل شکل دادن به تصورات دیگر کشورها نیز باشد، در این صورت، اطلاعات یک منبع مهم قدرت نرم محسوب

می‌شود. اگر کشورها بتوانند اطلاعات لازم برای تأثیرگذاری منطقه‌ای را تولید کنند و اگر این‌گونه اطلاعات در چارچوب امنیت نرم‌افزاری سازمان‌دهی شود، طبیعی است که امکان تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی و گروه‌های اجتماعی کشورهای رقیب وجود خواهد داشت. دیپلماسی عمومی نماد مقابله با نهادهایی محسوب می‌شود که عامل تهدید برای منافع قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شوند. دیپلماسی عمومی دارای ابعاد مختلف است. یک بُعد مهم آن، عبارت است از ارتباطات روزانه، در قالب مطبوعات داخلی و خصوصاً مطبوعات خارجی که چارچوب و زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی را تبیین می‌کند. هر یک از ابعاد آن می‌تواند در روند هنجارسازی سیاسی و امنیتی ایفای نقش کنند. طبعاً می‌توان راهبردهای مربوط به دیپلماسی عمومی را در زمره نظریات کاربردی امنیت بین‌الملل در عصر بحران‌های تصاعد یابنده استراتژیک دانست. هرگاه گروه‌های سیاسی با مخاطرات امنیتی روبه‌رو شوند، طبیعی است که از ابزارها و روندهایی استفاده می‌کنند که برای آنان هزینه‌های محدودتری داشته باشد.



منابع

- آرون و ریمون (۱۳۶۴)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*. باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آلتون، سی پلینو؛ جک روی (۱۳۷۵)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*. حسن پستا، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، *قدرت نرم و سرمایه اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۸)، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، *جامعه شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- جمالی، حسین (۱۳۷۹)، *تاریخ و اصول روابط بین‌الملل*. بی‌جا: مرکز تحقیقات اسلامی.
- دال، رابرت (۱۳۶۴)، *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*. حسین ظفریان، بی‌جا: مترجم.
- راسل، برتراند (۱۳۶۱)، *قدرت*. نجف دریا بندری، تهران: خوارزمی.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارج و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، *مجله علوم سیاسی*. سال یازدهم، شماره ۴۱.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، *روابط بین‌الملل: نظریه ها و رویکردها*. تهران: انتشارات سمت.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۹)، *نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل*. تهران: نشر قومس.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰)، *دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی روابط بین‌الملل*. تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- گالبرایت، جان کنت (۱۳۶۶)، **کالبدشکافی قدرت**. احمد شهسا، تهران: مترجم.
- ملیز، سی رایت (۱۳۸۳)، **نخبگان قدرت**. ترجمه: بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۷۳)، **اروپا در قرون وسطی**. تهران: انتشارات نوید شیراز.
- ورنر، شارل (۱۳۶۰)، **حکمت یونان**. برزگر نادرزاده، تهران: انتشارات زوار.
- هینه‌بوش، زی‌موند (۱۳۸۴)، «روابط بین‌الملل کشورهای خاورمیانه»، **عسگر قهرمان‌پور، فصلنامه مطالعات راهبردی**. سال هشتم، شماره ۳.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، **قدرت نرم**. سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.



۱۱۲
فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

سال سوم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲